

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۵

آثار مقام عرفانی «صبر» بر نفس سالک از نظر خواجه عبدالله انصاری با تکیه بر کلام امام علی(ع)

فاطمه (مهناز) توکلی^۱

فاطمه حسن پور^۲

چکیده:

از جمله مقامات عرفانی که سالک باید واجد آن گردد تا گرفتار رهن‌ها و تنگناهای سلوک نشود «صبر» است. در بینش امام علی علیه‌السلام صبر در سیر انسان به سوی حق تعالی اهمیتی ویژه دارد، از همین روست که مسیر دستیابی به درجات و آثار آن را توصیف کرده‌اند تا از این طریق انگیزه‌های رسیدن به این مقام عرفانی تقویت شود. خواجه عبدالله انصاری نیز صبر را یکی از نخستین گام‌های رهروان به سوی حق و مقامی برای عوام و متوسطان می‌داند و با توجه به تاثیر «صبر» در سلوک از نقش آن در کمال نفس پرده بر می‌دارد. با بررسی دیدگاه امام علی علیه‌السلام و خواجه عبدالله انصاری به روش تحلیلی-توصیفی و بررسی اقسام سه‌گانه صبر بر معصیت، صبر بر مصیبت و صبر بر طاعت این نتیجه حاصل شد که تحقق درجات مختلف صبر در سالک باعث تربیت نفس او شده و او را در برابر وساوس و خواطر نفسانی مقاوم می‌کند تا آنجا که با ثبات قدم در سلوک، استعداد بهره‌مندی از مواهب الهی را پیدا کرده و به خداوند تقرب پیدا کند.

کلید واژه‌ها:

امام علی(ع)، خواجه عبدالله انصاری، مقام عرفانی، صبر، کمال نفس، سالک.

۱- عضو هیأت علمی گروه ادیان و عرفان دانشگاه شهید بهشتی. نویسنده مسئول:

m-tavackoli@sbu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد عرفان تطبیقی.

پیشگفتار

جدی‌ترین دغدغه هر انسان حقیقت‌طلب، یافتن راهی مستقیم به دور از گونه نقص و لغزش است و به راستی تمسک به تعالیم ائمه معصومین علیهم‌السلام بهترین مصداق قرار گرفتن در صراط مستقیم است. از بهترین راه‌های تبیین و ترویج معارف و حقایق، تحلیل و تحقیق بر روی کتب عرفانی با استفاده و استناد به سخنان معصومین علیهم‌السلام است. از جمله امیرالمومنین - پیشوای عارفان - که خود به توصیف انسان‌های اهل معرفت و حالات و مقامات آنان، نحوه ارتباطشان با خداوند و جهان هستی پرداخته و بر مبنای جهان‌بینی توحیدی، به مسائل عبادی و معنوی، انگیزه‌های گوناگون در عبادت، حالات و مقامات عابدان سالک و تأثیر عبادت در رفع و دفع معصیت توجه و راهکار نشان داده و بهترین بندگان را کسانی می‌داند که خداوند آن‌ها را در پیکار با نفس یاری داده است. (ر.ک: خطبه/۸۷) بنابراین کلام حضرت را می‌توان به عنوان یک منبع اصیل و ناب عرفانی در نظر گرفت.

از سوی دیگر عارفان مسلمان غالباً با تکیه بر آیات قرآنی و دیگر متون اسلامی و سپس ذوق عرفانی خویش به تألیف و تدوین کتب عرفانی مبادرت ورزیده‌اند و قطعاً از نظر آنان، آگاهی انسان از میزان تأثیر هر یک از مقامات عرفانی، می‌تواند در کمال‌جویی و سلوک او به سمت حق نقش بسزایی داشته باشد. خواجه عبدالله انصاری (متوکل ۳۹۶ هـ.ق) از جمله عارفانی است که آثار و تالیفات زیادی در حوزه عرفان از خود بر جای گذاشته و در سخنانش از آیات قرآن بهره جسته است. در این پژوهش بررسی خواهد شد که ایشان به عنوان یک عارف مسلمان چه میزان متأثر از تعالیم اسلامی بوده است.

پژوهش حاضر در پی روشن نمودن این معناست که چه ارتباطی میان جنبه عرفانی کلام امیرالمومنین و خواجه در تبیین مقام عرفانی «صبر» وجود دارد و این مقام چه تاثیری در نفس انسان بر جای می‌گذارد و چگونه می‌تواند در تکامل انسان نقش داشته باشد. در واقع علاوه بر اهداف جنبی مذکور، هدف اصلی این پژوهش آگاهی از میزان تأثیر مقام عرفانی «صبر» در کمال نفس است. برای یافتن این معنا ضروری است به بررسی نگرش حضرت

علی علیه‌السلام و هم صاحب کتاب منازل‌السائرين نسبت به جایگاه و نقش این مقام در مراتب سلوکی پردازیم. در عین حال ارزیابی سخنان خواجه نسبت به کلام حضرت و نیز شناساندن روش سلوکی حضرت علی علیه‌السلام به دیگران و شناخت هر چه بهتر ایشان از دیگر اهداف این پژوهش خواهد بود.

حقیقت صبر

تبیین نقش و جایگاه مقام عرفانی «صبر» در رساندن انسان به کمال و سعادت دنیوی و اخروی مستلزم این است که نخست مفهوم لغوی و عرفانی آن روشن گردد. صبر را در لغت حبس کردن و در جای تنگی قرار دادن معنا می‌کنند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۴۳۸) نقیض جزع و به معنای شکیبایی، شکیبایی کردن و پائیدن نیز آمده است. (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۴۹: «ذیل صبر»)

خواجه عبدالله انصاری در بیان حقیقت صبر می‌گوید: «الصبر حبس النفس علی جزعکامنعالشکوی» (انصاری، ۱۴۱۷: ۶۹) آری سالک نفس خویش را با وجود اضطراب و نگرانی، از شکایت به غیر و اظهار جزع و فزع درونی باز دارد. مراد از شکوی در جملات فوق، شکایت و اظهار نگرانی به غیر حق تعالی است که این امری است ناپسند، اما شکایت به درگاه الهی نه تنها ایرادی بر آن وارد نیست بلکه پسندیده هم هست. (شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۱۰) چنان که در سیره ائمه معصومین مشاهده می‌شود که فرضاً ایشان از نفس خویش به خدا شکایت می‌کردند: «الهی الیک أشکو نفساً...». (قمی، ۱۳۸۶: ۲۱۲)

امام علی علیه‌السلام در باب حقیقت صبر می‌فرماید: «أصل الصبر حُسن اليقين بالله»^۱ (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۰۸) با توجه به این کلام صبر، اعتقاد و ایمان راسخ در همه امور زندگی به خداوند و سپردن خود به خدای لایزال است؛ به همین دلیل این ویژگی را یکی از مشخصه‌های اصلی اهل تقوا برشمرده و می‌فرماید: «إِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ» (شریف رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۱۹۲) «اگر به او ستمی روا دارند، صبر می‌کند تا خدا انتقام او را بگیرد». یک انسان پروا پیشه اگر مورد تهاجم ظالمان قرار بگیرد و نتواند از خود دفاع کند، زبان به شکایت نزد غیرحق باز نمی‌کند بلکه صبر می‌کند و انتقام ستمگر را از خداوند طلب می‌کند. (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۱۲: ۴۰۵؛ علوی، ۱۳۷۷: ۵۰۷)

پس نکته ظریف در حقیقت «صبر» به بیان حضرت، باز داشتن نفس از تمایل پیدا کردن

۱- «ریشه و اساس صبر و بردباری، یقین نیکو داشتن به خدای تعالی است.»

به سوی غیرحق است. زیرا به این معنا اگر بنده در برابر غیر حق صبر کند به درگاه الهی روی می‌آورد. (صوفی تیریزی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۰۶) و از این رو می‌توان گفت «صبر» خودداری در برابر خواسته‌های نفسانی است.

جایگاه «صبر» در سلوک

«صبر» مانند هر مقام عرفانی دیگر درجات مختلفی دارد که سالک با دست یافتن به هر یک از درجات بخشی از حقیقت آن مقام را درک می‌کند. خواجه عبدالله انصاری برای هر منزل عرفانی قائل به سه درجه است. ۱. درجه عامه: یادرجه اول که آغاز سیر و سلوک است. ۲. درجه سالک: یعنی درجه دوم و داخل شدن در غربت که منظور از این غربت طلب کردن و خواستن حق است. ۳. درجه محقق: یا درجه سوم که نهایت حال هر وارد به آن منزل است. در حقیقت دستیابی به مشاهده‌ای که بنده را به سوی عین توحید در طریق فنا می‌کشاند و جذب می‌کند. (انصاری، ۱۴۱۷: مقدمه) ایشان درباره جایگاه «صبر» در میان افراد مختلف می‌گوید «صبر» سخت‌ترین منازل برای عامه مردم است و هراسناک‌ترین آن‌ها در مسیر محبت و ناخوشایندترین (مقام) در مسیر توحید. «و هو أيضا مناصب المنازل علی العامه، و أوحشها فی طریق المحبه، وأنکره ا فی طریق التوحید». (همان: ۷۰)

عبدالرزاق کاشانی در شرح خود بر منازل السائرین در باب دشواری «صبر» بر عوام می‌گوید: «عامه در ابتدای سلوک که به سوی حق حرکت می‌کنند و ورزیده و تربیت شده این راه نیستند، چون به راحتی و خوشی خو کرده و به مخالفت با نفس برنخاسته‌اند و به عبارت بهتر اهل ریاضت نیستند، لذا در سختی‌ها و مصائب جزع و فرع و بی‌صبری می‌کنند و در مواقع امتحان الهی نیز تسلیم بلاها و مشکلات می‌شوند.» (کاشانی، ۱۳۸۵: ۳۴۹) «صبر» برای میانه حالان سلوک وحشت‌انگیزترین منزل در راه محبت است، زیرا اهل محبت با محبوب و بلاهایی که از طرف او می‌رسد انس گرفته‌اند و از آن‌ها لذت می‌برند و خواسته محبوب را بر خود مقدم می‌دارند در حالی که اقتضای صبر، تحمل سختی‌ها و مشکلات است. (همان: ۳۵۰)

به بیان دیگر کسی که در برابر سختی‌ها صبر می‌کند، نوعی شجاعت و رویارویی در برابر خواسته محبوب از خود نشان می‌دهد، که این عمل در مسیر محبت امری ناپسند است.

(شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸۷)

به گفته خواجه «صبر» ناخوشایندترین منزل‌ها در راه توحید برای منتهمیان است. زیرا

آثار مقام عرفانی «صبر» بر نفس سالک از نظر خواجه.../ ۳۵

توحید یعنی بازگرداندن همه چیز به خداوند در حالی که صبر به معنای برگرداندن همه چیز به نفس است. توحید غرق شدن در بحر یگانگی است که اقتضای آن فنای نفس می‌باشد. در حقیقت سالک در مقام توکل خودش را به خدا سپرده تا در مقام توحید به فنا برسد، در حالی که صبر به نحوی اثبات نفس است و فرد صابر، مدعی شکیبایی در برابر شداید است. از این‌روست که گفته‌اند: اثبات نفس در طریق توحید از زشت‌ترین منکرات است. (کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۲۰ و نیز منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

بنابراین از نظر خواجه «صبر» مقامی است برای عوام و متوسطان؛ یعنی کسانی که هنوز در راهند و به مقصد نرسیده‌اند زیرا تا زمانی که نفس نسبت به واردات حق تعالی کراهت دارد و جزع و فزع می‌کند کمالاتش ناقص است.

دیدگاه امام علی علیه‌السلام درباره جایگاه «صبر» را می‌توان در خطبه ۸۱ نهج‌البلاغه یافت، ایشان در توصیف اهل زهد می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسَوُا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ...»

«ای مردم، زهد یعنی کوتاه کردن آرزو و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و پرهیز در برابر محرّمات. پس اگر نتوانستید همه این صفات را فراهم سازید، تلاش کنید که حرام بر صبر شما غلبه نکند و در برابر نعمت‌ها، شکر یادتان نرود.»

در حقیقت امام به کسانی که در آغاز سلو کند و صبر و شکیبایی در نفسشان به صورت ملکه در نیامده، توصیه می‌کند که اگر نتوانستند اعمال نیک انجام دهند، حداقل در برابر محرّمات صبور و شکیبیا بوده و در برابر خواسته‌های شیطان مغلوب نشوند.

نتیجه قابل تأمل در این قسمت آن است که حضرت صبر را از ارکان زهد معرفی می‌کند، اما در آن بخش که به توصیف عارفان مقرب درگاه الهی پرداخته‌اند چون به ویژگی صبر اشاره‌ای نشده، لذا به نظر می‌رسد صبر از نظر امام علی علیه‌السلام نیز از مقامات عوام و سالکان مبتدی است نه واصلان زیرا با توجه به کلام ایشان صبر دارای مراتب است و یک مرتبه آن که همه افراد باید در خود تقویت کنند، صبر در برابر محرّمات و خاص مبتدیان است.

اقسام صبر

در متون دینی و عرفانی اقسام و درجات مختلفی برای صبر ذکر شده است. در میان

معصومین نیز حضرت علی علیه السلام توصیه و هم توصیف فراوان در باب اقسام و انگیزه‌های صبر برای رهروان راه حق بیان فرموده‌اند. ایشان درباره اقسام صبر می‌فرماید: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمُعْصِيَةِ» (ابن ابی فراس، بی‌تا، ج ۱: ۴۰) از کلام حضرت امیر چنین بر می‌آید که ایشان چهار رکن اساسی برای صبر قائلند که در واقع هر کدام از آن‌ها یکی از انگیزه‌های صبر به شمار می‌آید. در حکمت ۳۱ نهج البلاغه آمده «الصَّبْرُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعٍ شُعْبٍ عَلَى الشُّوقِ وَ الشَّفَقِ وَ الزُّهْدِ وَ التَّرَقُّبِ فَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَّمَ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ اشْفَقَ مِنَ النَّارِ اجْتَنَبَ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ وَ مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ» «صبر بر چهار پایه قرار دارد: اشتیاق، ترس، زهد، انتظار. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد در نیکی‌ها شتاب می‌کند».

نتیجه اشتیاق به بهشت فراموش کردن شهوات است؛ زیرا سالک تا وقتی که به آنچه خداوند به پرهیزکاران وعده داده است ایمان نیاورد، انگیزه ای ندارد تا از خواسته‌های نفسانی چشم‌پوشد و قدم در راه قرب الهی بگذارد، بنابراین اشتیاق به بهشت او را از غرق شدن در شهوات دنیا حفظ می‌کند و این همان صبر بر طاعت است. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰: ۵/ ۴۳۶؛ و نیز مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۱۹۶) بر طبق سخن امام شفق که یکی از ارکان صبر است، همان ایمان به عذاب الهی در آخرت و خوف از دوزخ است که انسان را از گناهان باز می‌دارد، چرا که گویی آتش دوزخ را با چشم خود می‌بیند. (همان) امام در بیان انگیزه صبر بر مصائب می‌فرماید: «...وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ». از آنجا که بی‌تابی در برابر مصائب به دلیل دل‌بستگی‌های دنیوی است آن کس که زاهد و بی‌اعتنا به دنیا باشد و از این دل‌بستگی‌ها وارهد، مصائب در نظر او کوچک و خوار و صبر در برابر آن آسان می‌گردد. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۴۳۵)

امام علاوه بر سه رکن اصلی صبر، یعنی شوق، شفق و زهد، براساس حکمت ۳۱ انگیزه دیگری را ذکر کرده و آن را «ترقب» می‌نامد، یعنی انسان در انتظار مرگ و گشایش در امور، با سرعت به سمت کارهای خیر و اعمال صالح حرکت کند و این نیز به معنای صبر و استقامت بر طاعات و دستورات الهی است.

خواجه عبدالله انصاری نیز در آثار خود به این سه قسم از صبر اشاره کرده و درباره

آثار مقام عرفانی «صبر» بر نفس سالک از نظر خواجه... / ۳۷

انگیزه‌های آن‌ها سخن به میان آورده است. از نظر خواجه درجه اول صبر، صبر بر پرهیز از گناه و معصیت است که این امر با کسب آگاهی و معرفت نسبت به وعیدهای الهی در خصوص کیفر گناهکاران امکان‌پذیر است، یعنی سالک با آگاهی نسبت به نتیجه و عقوبت گناهان، در برابر آن‌ها صبوری می‌کند و به سوی آن‌ها نمی‌رود. اما از این بالاتر، صبر از معصیت است که از روی حیاء باشد، یعنی ترک گناه به خاطر شرم و حیای انسان از خود خداوند نه ترس از عقاب و عذاب الهی؛ زیرا شرم و حیاء از صفات انسان‌های شریف و آزاده است و حال آنکه ترس از صفات انسان‌های شرور است. (عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۸۵: ۳۵۲) درجه دوم، صبر بر طاعت است به این معنا که انسان بر طاعت و بندگی حق محافظت و پایداری کند که در واقع تلاش در جهت تصحیح ارکان طاعات به حساب می‌آید. این مرتبه صبر یکی از مهم‌ترین ارکان اخلاص است یعنی اینکه با اخلاص به طاعت بپردازد به طوری که از ریا به دور باشد و دیگر اینکه طاعت خود را بر علم ظاهر که همان شریعت محمدی صلی الله علیه و آله است منطبق سازد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹: ۲۲۴) درجه سوم صبر، صبر بر مصائب است که در سلوک از اهمیت بسیاری برخوردار است، به این معنا که انسان با یادآوری پاداش‌های نیک خداوند که در کتاب خود به صابران وعده داده است بر بلا صبر کند و همچنین در انتظار آسایش و گشایش در امورش نیز صبر کند که این خود نوعی عبادت است. از طرفی هم یادآوری نعمت‌هایی که خداوند متعال در زمان آسایش به او عطا کرده نیز دشواری بلاها و مصائب را برایش آسان می‌گرداند. به این ترتیب خوف و وحشت او از بلا به امید تبدیل می‌شود. (کاشانی، ۱۳۸۵: ۳۵۳) خواجه در صدمیدان به این نکته اشاره می‌کند که صبر بر طاعات با امید به خدا، صبر از معصیت با خوف از عقوبت گناهان و صبر بر بلا با حب و عشق به خدا امکان‌پذیر می‌شود. (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

بنابر مطالب فوق می‌توان دریافت آنچه انسان را به سوی صبر بر معاصی سوق می‌دهد توجه انسان به عاقبت اعمال است. علاوه بر اینکه بنابر نظر خواجه اگر این نوع صبر به خاطر حیای انسان از خداوند باشد در مسیر بندگی بسیار اهمیت دارد. همچنین صبر بر طاعات با انجام دستورات شرعی و رعایت اخلاص امکان‌پذیر است. امیرالمومنین انتظار مرگ و اشتیاق انسان به بهشت را انگیزه مهمی برای این قسم از صبر بر می‌شمرد. صبر بر مصائب نیز با انتظار گشایش در امور و توجه به وعده‌های الهی محقق می‌گردد که این امر لازمه زهدی است که حضرت آن را انگیزه صبر در مصائب می‌داند و به معنای کوتاه کردن آرزوها، شکر در برابر نعمت‌ها و پرهیز از محرّمات بیان می‌کند که خود عامل مهمی در

جهت ایستادگی آگاهانه انسان در برابر مصائب به شمار می‌آید.

آثار «صبر» بر نفس سالک

سالک با پشت سر گذاشتن مراحل سلوک و رسیدن به مقام «صبر» ویژگی‌هایی پیدا کرده و به نتایجی دست می‌یابد، اما نکته قابل توجه این است که برخی آثار و نتایج در منازل سلوک یکسان است فقط سالک با رسیدن به مراتب بالاتر به آن آثار ثبات بیشتری می‌بخشد. از جمله این آثار ارتیاض و تربیت نفس است.

ارتیاض و تربیت نفس

از نظر عرفا «صبر» برای نفس دشوارترین امور است و با طبیعت انسان نمی‌سازد زیرا که با درد و رنج و کتمان آمیخته شده و با مخالفت و اکراه نفس همراه است. (ابوطالب مکی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۴۵)

آن چه در مقام «صبر» بحث محوری است و خواجه عبدالله انصاری از ابتدا بر آن تاکید می‌کند ایجاد استقامت در نفس است، به این معنا که نفس با صبر پیشه کردن، به تدریج به عمل کردن خلاف میل خود عادت می‌کند و بدین وسیله ترقی می‌کند، این امر در هر مرتبه از صبر به نحوی واقع می‌شود. از نظر امام علی علیه‌السلام و خواجه یکی از مهم‌ترین آثار صبر در کمال نفس، همین ارتیاض نفس است که در واقع نفس به تحمل نوعی ریاضت تدریجی و مستمر وادار می‌شود.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيُضِدُّ عَنِ الْحَقِّ» «پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد». (شریف رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۴۲) به همین جهت برای توجه دادن انسان به تربیت نفس در وصیت به فرزندش امام حسن مجتبی علیه‌السلام تاکید می‌کند: «عَوِّذُ نَفْسِكَ (الصَّبْرَ) التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَنِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ» «نفس ترا به استقامت در برابر مشکلات عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادت پیسنده است». (شریف رضی، ۱۳۸۴: نامه ۳۱)

در بینش عارفان نفس بزرگ‌ترین حجاب و مانع بین انسان و خداست، زیرا گرایش‌های نفسانی روح را اسیر و وابسته به عالم خاک می‌کند و مانع می‌شود که کمالات الهی در روح انسان تجلی کند به همین دلیل سالک باید سخت‌ترین مبارزه را با نفس خود داشته باشد و در جهت تربیت آن بکوشد. زمانی که سالک در وادی «صبر» قدم گذارد و در برابر خواسته‌های نا مطلوب نفس صبر کند، نفس به همان نسبت تکامل می‌یابد. از این رو

مهم‌ترین نقش «صبر» بر روی نفس تربیت و تکامل آن است.

«رَحِمَ اللَّهُ ... جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَالتَّقْوَى غُدَّةَ وَفَاتِهِ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ وَكَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ اعْتَنَمَ الْمَهْلَ وَبَادَرَ الْأَجَلَ وَتَزَوَّدَ مِنَ الْعَمَلِ»^۱. (شریف رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۷۶) در این جا امام نظری به سالکان سیر الی الله و راهیان راه قرب پروردگار افکنده و ضروریات و شرایط مختلف آن‌ها را بیان فرموده است. این سالکان قبل از هر چیزی نیاز به مرکب «صبر» دارند که مایه نجات آن‌هاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۳۸) لفظ «مَطِيَّة» را که به معنی «مرکب سواری» است برای صبر به استعاره آورده که وجه مشابهت این است که هم صبر و هم مرکب تندرو می‌توانند وسیله نجات باشند، صبر در برابر مشکلات و اسب به هنگام فرار از دشمن به انسان رهایی می‌بخشد. این گونه صبر به سالک راه حق کمک می‌کند تا نفس خود را با مشقت طاعات الهی از زشتی‌ها و نواهی باز دارد. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۴۵۵)

آثار صبر بر معاصی

کلام حضرت علی علیه‌السلام در این زمینه قابل تأمل است: «مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَحُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ» «هرکس بر معصیت صبر کند، و خود را از گناه نگه دارد و آلوده به معصیت نگردد، خداوند متعال ثواب نهصد درجه به او می‌دهد که فاصله هر یک از آن درجات با درجه دیگر به اندازه فاصله قعر زمین تا منتهای عرش است». (ابن ابی فراس، بی‌تا، ج ۱: ۴۰)

ابقای ایمان

از جمله آثار و نتایج صبر بر معاصی، تداوم ایمان است. در این حالت نظر انسان به عقوبت گناه است.

در جایی، مولای متقیان در مورد رابطه صبر و ایمان، بیان جالبی دارند: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَكَأَخَيْرٍ فِي جَسَدٍ لَأَرْأْسٍ مَعَهُ وَكَأَخَيْرٍ فِي إِيْمَانٍ لَأَصْبَرَ مَعَهُ» «بر شما باد به شکیبایی که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر ارزشی ندارد». (همان: حکمت ۸۲) یعنی همان طور که قوه

۱- «خدا رحمت کند کسی را که... استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد و تقوا را زاد و توشه روز مردن گرداند. در راه روشن هدایت قدم بگذارد و از آن راه فاصله نگیرد. چند روز زندگی دنیا را غنیمت شمارد و پیش از آن که مرگ او فرا رسد خود را آماده سازد و از اعمال نیکو، توشه آخرت برگیرد.»

فرماندهی بدن در سر است، بقای ایمان هم به وجود و بقای صبر است.

تقوای نفس

تقوا یکی از واژگان محوری در کلام امام علی علیه السلام است که همه مفاهیم اخلاقی و عرفانی با آن مرتبط هستند. (شاملی ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۰۳) بنابراین برای فهم آن‌ها باید تقوا را در همه جهات بررسی کرد. نکته قابل تأمل بر اساس حکمت ۲۴۲، این است که آن حضرت تقوا را به عنوان ملکه‌ای که دارای مراتب و درجات است و حداقل و حداکثری دارد، معرفی و تأکید می‌کند که همان حداقل تقوا نیز، زمینه را برای مراتب بعدی فراهم می‌کند و هر مرتبه از تقوا نیز آثاری دارد. (احمدیانو سعیدآوی، ۱۳۹۷: ۶۷)

حضرت در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه که به خطبه هم‌نام معروف است، به توصیف ویژگی متقین پرداخته‌اند که براساس آن، متقین کسانی هستند که به درجات عالی تقوا و سلوک نائل شده‌اند، بنابراین نباید از دو مراتب بودن تقوا و نقش و رابطه اش با صبر غافل شد. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه تقوا را به عنوان عاملی معرفی می‌کند که نفوس بندگان خدا را از گرفتار شدن در محرمات و گناهان باز می‌دارد: «ای بندگان خدا! همانا تقوای الهی دوستان خدا را از انجام محرمات باز می‌دارد، و قلب‌هایشان را پر از ترس از خدا می‌کند.» «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَخَارِمَهُ وَ أَلْزَمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ» (شریف رضی، ۱۳۸۴)، در خطبه ۱۹۱ نیز می‌فرماید: «تَسْتَعِينُونَا بِهَا عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِزُّ وَالْجَنَّةُ وَ فِي غَدِ الطَّرِيقُ إِلَى الْجَنَّةِ» «برای انجام دستورات خدا از تقوا یاری جوئید، زیرا تقوا، امروز سپر بلا و فردا راه رسیدن به بهشت است.» (همان)

با توجه به مطالب فوق، تقوا در مراتب پایین می‌تواند موجبات غلبه انسان بر شهوات و پندپذیری نفسرا فراهم و در مراتب بالاتر، سبب طاعت خداوند و جزای آن می‌شود، در نتیجه تقوا هم می‌تواند نتیجه صبر بر معاصی باشد و هم در صبر بر طاعات و دستورات الهی و فائق آمدن بر مشکلات راه‌گشا باشد. چون معصیت‌ها با «شهوت» همراه و از این‌رو مطبوع نفس و پرهیز از این امر گوارا، برای انسان دشوار است چه او باید صبر کند و خود را از آن باز دارد و تن به تباهی گناه ندهد.

بنابراین از نظر امیرالمومنین صبر می‌تواند به تقوای الهی بیانجامد، آنجا که می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى مُرِّ الْأَذَى أَبَانَ عَنِ صِدْقِ التَّقْوَى» «کسی که بر تلخی آزار صبر کند، پرده از راستی تقوای خویش برداشته است.» (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۱۸)

الهام دعا، قبول دل‌ها و نور عصمت

خواجه عبدالله انصاری آثار دیگری را بر این قسم از صبر در کتاب صد میدان بر شمرده است. به نظر خواجه صبر بر معاصی به وسیله حضور و حاکمیت خوف در انسان به وجود می‌آید و اگر این صبر در او تحقق پیدا کند، ثمراتی دارد ایشان می‌گوید: «از صبر بر معاصی سه چیز زاید: الهام دعا، قبول دل‌ها و نور عصمت». (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

«الهام دعا» به این معنا است که سالک با صبر بر معاصی، به مرحله‌ای می‌رسد که اجازه نمی‌دهد نیروهایش در طریق معصیت صرف شود بلکه در راه عبودیت قرار می‌گیرد و همه خواسته‌ها و دعاهايش الهی می‌شود.

از «قبول دل‌ها» دو معنا قابل دریافت است یکی این معنا که سالک به مرتبه‌ای می‌رسد که همه دل‌های پاکیزه و حقیقت جو او را می‌پذیرند و یا این معنا که سالک با توجه به قلوب خلایق می‌تواند حقیقت آن‌ها را بیابد. منظور از «نور عصمت» هم نوعی بروز و ظهور عصمت در وجود سالک است، عصمتی که مربوط به معصومین است عصمت کبری نامیده می‌شود. عصمت مورد اشاره خواجه نوع دیگری است، در واقع سالک نوعی بینش نسبت به نتایج معصیت پیدا می‌کند که او را از انجام گناه باز می‌دارد و حفاظت می‌کند. (تابش هروی، ۱۳۹۳: سخنان)

عبدالرزاق کاشانی نور عصمت را چنین شرح می‌دهد که خداوند در قلب انسانی که می‌کوشد خود را از گناهان نجات داده و در محضر حق تعالی قرار گیرد نور عصمت می‌افکند چنان که در حریم الهی قرار می‌گیرد و از گناهان در امان می‌ماند. (کاشانی، ۱۳۸۵: ۳۵۲)

آثار صبر بر طاعت

سالک برای قرار گرفتن در مسیر سلوک نیازمند اتصال به حقیقتی است که او را تا زمان گشایش در امور و تثبیت گام‌هایش تقویت کند، این منبع ارتباطی، توجه به خداوند و التزام به طاعات او و صبر بر این طاعات و اوامر الهی است که می‌تواند راه‌گشای او بوده و آثاری به دنبال داشته باشد. ذیلاً به برخی از آثار اشاره می‌شود:

انس با حق و آرامش روح

صبر در طاعات منشاء انس به حق و آرامش روح است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۲۶۲)

خطبه همّام (متقین) نهج‌البلاغه، یکی از خطب حاوی مضامین عرفانی است که با توجه

و تفحص در آن می‌توان به احوال و مقامات سالکان الی الله پی برد. اوصاف متقین در این خطبه با اوصاف سالکانی که خواجه از آن‌ها یاد می‌کند مطابق است. حضرت در این خطبه به آثار صبر برای اهل تقوی اشاره می‌کند: «صَبْرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تِجَارَةً مُرَبِّحَةً يَسْرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا وَأَسْرَتْهُمْ فَفَدَوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا.» «در روزگار کوتاه دنیا، صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند، تجارتی پر سود که پروردگارشان فراهم فرموده. دنیا می‌خواست آن‌ها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آن‌ها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.» (شریف رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۱۹۳)

تکامل بخش نعمت‌های الهی

دیگر اثر مهم صبر بر طاعات، اتمام نعم الهی بر سالک است.

«فَسَابِقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَىٰ مَنَازِلِكُمْ الَّتِي أُمِرْتُمْ أَنْ تَعْمُرُوهَا وَ الَّتِي رَغِبْتُمْ فِيهَا وَ دُعِيتُمْ إِلَيْهَا وَ اسْتَمْتُمُوا نِعْمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَىٰ طَاعَتِهِ وَ الْمُجَانَبَةِ لِمَعْصِيَتِهِ»^۱ (شریف رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۱۸۸) حضرت این خطبه را به منظور تشویق پیروانش برای توجه به آخرت بیان فرموده و در آن امر به صبر در عبادت و اطاعت خدا و دوری از گناه و نافرمانی کرده و این صبر را سبب تکمیل و تتمیم نعمت‌های الهی بر آنان می‌داند.

نکته ظریفی در این کلام حضرت وجود دارد که شارح از آن پرده برداشته است؛ چون تکمیل نعمت که لازمه صبر است به منزله میوه شیرین صبر به حساب می‌آید، امام آن را مقدم داشته است تا یاد آن، تلخی صبر را از بین ببرد. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۳۳۴) به تعبیر دیگر صبر پیشه کردن با تلخی همراه است اما منفعت و بهره‌ای که از نتایج آن نصیب انسان می‌شود همه تلخی‌ها را از بین می‌برد و مانند میوه شیرینی است که جایگزین سختی‌ها و زحمت‌های باغبان می‌گردد و سزاست که مقدم بیاید.

صبر تلخ آمد و لیکن عاقبت میوه شیرین دهد پر منفعت
(مولوی، د ۱، بیت: ۱۰۷۸)

مراد از این نعمت می‌تواند تکمیل نعمت‌های مادی دنیا باشد یا نعمت‌های گرانبهای

۱- «خدا شما را رحمت کند پس بشتابید به سوی آباد کردن خانه‌هایی که شما را به آبادانی آن فرمان دادند و تشویقتان کرده، به سوی آن دعوت کرده‌اند و با صبر و استقامت، نعمت‌های خدا را بر خود تمام گردانید و از عصیان و نافرمانی کناره گیرید.»

آثار مقام عرفانی «صبر» بر نفس سالک از نظر خواجه.../ ۴۳

خداوند در قیامت، زیرا صبر بر طاعت و دوری از معصیت سبب دست یافتن به نعمت های مادی و معنوی دنیا و آخرت می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۷۴)

در بیان دیگری، صبر بر طاعت الهی و محافظت بر احکامی که خداوند در کتابش اجرای آن ها را از انسان ها خواسته است سبب کامل شدن نعمت های پروردگار شمرده شده: «وَ اسْتَمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالْمُحَافَظَةِ عَلَى مَا اسْتَحْفَظَكُمْ مِنْ كِتَابِهِ» (شریف رضی، ۱۳۸۴: خطبه ۱۷۳)

در این بخش از خطبه امام با ذکر ویژگی های دنیا، بر لزوم بیزاری جستن از آن تاکید می کند و تذکر می دهد که در حقیقت در دنیا سودی نیست اگر چه انسان را بازرق و برق خود فریب می دهد. سپس تاکید می کند که در نگهداری آنچه دین به وسیله آن پابرجاست (طاعت و اجرای فرامین قرآن) کوشا باشید زیرا اگر چیزی از نعمت های دنیا را از دست دهید با محافظت بر دین و طاعت الهی زیانی نکرده اید، زیرا این هاست که متضمن خیر کامل دنیوی و اخروی است. (ابن ابی حدید، ۱۳۴۱، ج ۹: ۳۳۲) استقامت بر عبادت و طاعت حق، ایمان را از ناخالصی ها و تیرگی ها پاک می گرداند و نعمت های الهی را تمام می کند از این رو سالک استقامت می ورزد چون می داند تنها با صبر بر طاعت به آنچه دوست می دارد می رسد. (مطهری خواه، ۱۳۸۷: ۸۲)

از این رو یکی از آثار صبر بر طاعات الهی و محافظت از دستورات خداوند در پرهیز از گناه این است که سبب تکامل نعمت الهی می شود.

بازداشت بلاها، و روزی نا بیوسیده و گراییدن با نیکان

خواجه بر این اعتقاد است که صبر بر طاعات با امید به خداوند شکل می گیرد و آثاری دارد: «بازداشت بلاها، و روزی غیرمنتظره و گراییدن با نیکان». (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

صبر بر طاعات، وقتی در انسان ایجاد می شود که امید داشته باشد که طاعات او را به حق تعالی نزدیک می کند و اگر این امید در وجودش پویا باشد پیامدهایی دارد. کسی که صبر بر طاعات پیشه کند بلاها برایش آسان می شود و این اثر در دنیا که عالم رنج و کثرت است از بهترین نعم محسوب می شود. به عبارت بهتر سالک در این مقام به جایی می رسد که بلاها برای او لذت بخش است، و این امر از ویژگی های منزل رضا است.

۱- «با صبر و استقامت بر اطاعت پروردگار و حفظ و نگهداری فرامین کتاب خدا، نعمت های پروردگار را نسبت به خویش کامل گردانید».

«نابیوسیده» در لغت به معنای غیرمنتظره و ناگهانی است (فرهنگ معین، ذیل واژه بیوسیدن) روزی نابیوسیده یعنی روزی‌های امید نداشته و غیرمنتظره، چه با صبر بر طاعات الهی برای انسان از جایی روزی می‌رسد که حتی تصور آن را نداشته است.

«گراییدن با نیکان» به این معناست که سالک در سیر و سلوک خود و صبر بر طاعات الهی به آنجا می‌رسد که شایستگی همنشینی و ارتباط با بزرگان را پیدا می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام در این باره می‌گوید: «إِنْ صَبَرْتَ أَذْرَكَتَ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأُبْرَارِ» (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۱۲) البته این سه پیامد که خواجه بیان می‌کند می‌تواند اتمام نعمتی باشد که پیش از این درسرخ امام علی علیه‌السلام به آن اشاره رفت. همچنین حضرت می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ الطَّاعَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتْمَائَهُ دَرَجَهُ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ» (ابن ابی فراس، بی‌تا، ج ۱: ۴۰)

آثار صبر بر مصائب

حق تعالی از آن جهت بندگان خود را گرفتار انواع بلاها می‌کند که روی به جانب او آورند و همین برای سالک فواید بسیار دارد، باعث سعه صدر و گشایش‌های فراوان می‌شود. سختی‌ها و دردها و رنج‌ها همواره از دیدگاه بزرگان سازنده و ثمربخش است زیرا صبر و استقامت در برابر آن‌ها موجب می‌شود نیروها و استعدادهای نهفته و پنهان روح شکوفا شود و انسان را به سرچشمه کمال و عظمت یعنی خداوند پیوند دهد.

مؤید این نکته را در بیان حضرت علی علیه‌السلام می‌یابیم: «مَنْ صَبَرَ عَلَيَّ بَلَاءِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَحَقَّ اللَّهُ أَدْمَى وَعِقَابُهُ اتَّقَى وَثَوَابُهُ رَجَا» «کسی که بردباری کند بر بلاهای خدای سبحان، حق خدا را پرداخته و از عذاب و عقاب او خود را نگه داشته و پاداش نیک او را امید بسته است». (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۶۱۸)

همچنین: «فَمَنْ صَبَرَ عَلَيَّ الْمُصِيبَةَ حَتَّى يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تَخُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ»^۱ (ابن ابی فراس، بی‌تا، ج ۱: ۴۰)

رسیدن به خشنودی

از آثار مهم و اساسی صبر در مصائب، کسب رضای الهی است که خود از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های انسان در زندگی محسوب می‌شود و در کلام امیرالمومنین به آن تصریح شده

۱- «هر کس در برابر مصیبت صبر کند تا خداوند او را آرامش دهد خداوند سیصد درجه پاداش به او می‌دهد. فاصله بین آن درجات از یکدیگر به اندازه فاصله بین زمین و آسمان می‌باشد.»

آثار مقام عرفانی «صبر» بر نفس سالک از نظر خواجه.../ ۴۵

است: «أَغْضِ عَلَى الْقَدَى وَالْأَلَمِ تَرْضَ أَبْدًا» «چشم از خار و خاشاک زندگی فروبند تا همواره خشنود باشی». (شریف رضی، ۱۳۷۴: حکمت ۲۱۳) أَعْضِ عَلَى الْقَدَى (چشم‌پوشی از خار و خاشاک) کنایه از فروخوردن خشم و تحمل سختی است که خود فضیلتی از شاخه‌های شجاعت است چون طبیعت دنیا آمیخته با سختی‌هایی است که بیشتر اوقات انسان درگیر آنهاست. (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۵۹۷)

صبر بر تحمل ناملايمات که موجب دخول در بهشت است تحقق نمی‌یابد مگر در صورتی که نیروی رضای به قضای حق در آدمی تقویت یابد، مقام صبر، روح انسان را به مرتبه مجاهده نفسانی ترقی می‌دهد و او را آماده ذکر خدا و توجه به حضور او ساخته، و این خود سبب کمال معرفت و انس با خدا می‌شود، انسی که محبت آفرین است و موجب پیدایش مقام رضا و توکل به خداوند می‌گردد زیرا رضای تو خشنودی دوست، در کاری که محبوبش انجام می‌دهد، از لوازم ضروری محبت است. (مغنیه، ۱۳۵۸، ج ۴: ۳۴۷)

کلام حضرتش در این باب زیباست: «انکم ان صبرتم علی البلاء و شکرتم فی الرِّخاء و رضیتم بالقضاء کان لکم من اللّهِ سُبْحَانَهُ الرِّضَاء» (آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۷۳) این بیان چنین نتیجه‌ای را در بردارد که صبر در بلا و مصائب موجب اعطای مقام رضا از ناحیه خود خداوند به انسان می‌گردد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۲۶۲)

بینایی دل، علم باطنی و نور فراست

از نظر خواجه یکی از ارکان صبر، صبر بر بلا است. و از آن سه چیز ایجاد می‌شود: «بینایی دل، علم باریک و نور فراست» (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۸). منظور از بینایی دل، همان بصیرت است. بصیرت در لغت از ماده «بصر» و جمع آن «بصائر» و به معنای «دلیل، حجت، برهان و بینایی دل» است. عبارت «فِرَاسَه ذَاتُ بَصِيرَه»، بر فراست راستین دلالت می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۱۱۸)

در عرفان بصیرت قوه‌ای است از آن قلبی که به نور الهی منور شده و قلب به واسطه آن، حقایق و باطن اشیا را می‌بیند؛ همچون چشم برای نفس که نفس به وسیله آن، ظاهر اشیا را مشاهده می‌کند. (کاشانی، ۱۴۱۳: ۶۴) مراد از علم باریک در سخن خواجه این است که انسان از طریق بینش و بصیرت می‌تواند به علومی دست پیدا کند که از طریق عقل و برهان در ادراک آن ناتوان است.

فراست همان باریک‌بینی و تیزبینی و در اصطلاح قوه‌ی پی بردن از صورت به سیرت یا

نیروی ادراک باطن برحسب نشانه‌ها است. (آذرنوش، ۱۳۸۶: ذیل «فرس») فراست یک نحو از معرفت عرفانی است که بر اثر رهایی از خودی و خودآگاهی، در انسان ایجاد می‌شود، این معرفت پرده‌های جهل را پاره می‌کند و به صاحب فراست، قوه تمییز می‌دهد و او را قادر بر درک باطن انسان‌ها می‌کند. (نیکوئی و اختیار بخشی، ج ۱۳: ۱۳۸۹) ابو سعید خراز می‌گوید: «هر که به نور فراست نگرند به نور حق نگریسته باشد و ماده علم او از حق بود و او را سهو و غفلت نباشد بلکه حکم حق بود که بر زبان بنده برود و آنچه گفت به نور حق گوید؛ یعنی نوری که حق تعالی او را بدان تخصیص کرده است.» (قشیری، ۱۳۷۴: ۲۶۷) از نظر عرفا، ایمان از سنخ نور است و فراست هم از پیامدهای ایمان است و به همین دلیل هر دو دارای مراتب و درجات هستند و هر کس ایمانی راست‌تر و قوی‌تر داشته باشد فراست او به همان اندازه بیشتر است. (کلاباذی، ۱۴۱۹: ۵۱۰)

پرده‌های دیده را داروی صبر هم بسوزد هم بسازد شرح صدر
آینه دل چون شود صافی و پاک نقش‌ها بینی برون از آب و خاک
(مولوی، د ۲، بیت ۷۰ و ۷۱)

نتیجه‌گیری:

از پژوهش فوق این نتیجه حاصل می‌شود که سخنان امام علی علیه‌السلام در خصوص حقیقت «صبر» به گونه‌ای است که بر همان حقیقت عرفانی مطرح در سخن خواجه دلالت دارد.

در خصوص درجات عرفانی، حضرت علی علیه‌السلام «صبر» در محرمات را از اولین گام‌های انسان در مسیر زهد بر می‌شمرد و خواجه عبدالله انصاری صبر را اساساً از مقامات مریدان و سالکان مبتدی می‌داند زیرا از نظر ایشان مقام «صبر» با ویژگی‌های اهل محبت و توحید (متتهیان) قابل جمع نیست.

«صبر» یکی از مهم‌ترین مقامات عرفانی است که نفس را به پذیرفتن ریاضت‌های سلوک و تربیت در مسیر حق وا می‌دارد. حضرت علی علیه‌السلام نیز در خصوص نقش مقام عرفانی «صبر» در بیشتر موارد به آثار و نتایج کلی و اساسی که نصیب انسان می‌شود اشاره کرده‌اند و بر بهره‌مندی انسان خداجو از آرامش، رضایت و اتمام نعمت‌ها تأکید نموده‌اند. امام به گونه‌ای از جایگاه و درجات صابران سخن می‌گوید که اشتیاق انسان را بر می‌انگیزد تا در مسیر سلوک الی الله حرکت کند. این قبیل بیانات نشان از عمق و همه‌جانبه بودن کلام

آثار مقام عرفانی «صبر» بر نفس سالک از نظر خواجه... / ۴۷

حضرت دارد و معلوم می‌گردد ایشان تنها به جنبه اخلاقی صبر توجه نداشته و بلکه بعد عرفانی (و چه بسا ابعاد دیگر) آن را نیز لحاظ کرده‌اند. دیدگاه‌های خواجه عبدالله انصاری و امیرالمومنین در برخی از موارد در بیان آثار و نتایج مقام عرفانی «صبر» در کمال نفس بر هم دلالت دارند، به طوری که یکی شاهی بر دیگری است اما در برخی موارد خواجه به آثاری اشاره دارد که به نظر می‌رسد به صورت کلی‌تر در کلام امیرالمومنین وجود دارد مانند روزی غیرمنتظره، بصیرت، علم باطنی، پی بردن به باطن انسان‌ها، بینش و معرفت به نتایج معصیت و...

منابع و مأخذ:

- ۱- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی.
- ۲- الآمدی، عبدالواحد، (۱۳۷۸)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سیدهاشم محلاتی، ج ۱ و ۲. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳- ابن ابی حدید، ابوحامد، (۱۳۴۱)، شرح نهج البلاغه، به تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۹. قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی.
- ۴- ابن ابی فراس، (بی تا)، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، قم، مکتبه فقیه.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب. ج ۴، بیروت، دارصادر.
- ۶- ابن میثم بحرانی، (۱۳۷۰)، شرح نهج البلاغه. ترجمه: سید محمد صادق عارف. ج ۲، ۳ و ۵. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدی رضوی.
- ۷- ابو طالب مکی، محمد، (۱۴۱۷ ه. ق)، قوت القلوب فی المعامله المحبوب و وصف الطريق المرید الی مقام التوحید، مصحح: محمد باسل عیون السود. ج ۱، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- ۸- انصاری، عبدالله بن محمد فرهادی، (۱۳۸۷)، متن منازل السائرین، علل المقامات و صد میدان. ترجمه: عبدالغفور روان فرهادی، تهران، مولی.
- ۹- انصاری، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۷)، منازل السائرین. به تصحیح: محمد خواجهوی. تهران، دارالعلم.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۹)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۱- شاملی، نصرالله، (۱۳۹۱)، معنانشناسی واژگان اخلاقی نهج البلاغه، ج ۲، اصفهان، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- ۱۲- شریف رضی، حسین بن محمد، (۱۳۸۴)، نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات قدس.
- ۱۳- شوشتری، محمدتقی، (۱۳۷۶)، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۴- شیخ الاسلامی، علی، (۱۳۷۹)، راه و رسم منزل‌ها، ج ۱، تهران، مرکز فرهنگی و انتشارات آیه.
- ۱۵- شیروانی، علی، (۱۳۷۹)، شرح منازل السائرین، تهران، الزهرا.
- ۱۶- صوفی تبریزی، عبدالباقی، (۱۳۷۸)، منهاج الولاية، به تصحیح: حبیب الله عظیمی، ج ۱، تهران، آینه میراث وابسته به مرکز نشر میراث مکتوب.
- ۱۷- علوی، مجتبی، (۱۳۷۷)، شرح خطبه متقین، قم، انتشارات هجرت.

- ۱۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۵۱۴۱۰هـ)، العین. ج ۷، قم، انتشارات هجرت.
- ۱۹- قشیری، ابوالقاسم، (۱۳۷۴)، رساله قشیریه، ترجمه: حسن بن احمد عثمانی، به تصحیح: بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۰- قمی، عباس، (۱۳۸۶)، مفاتیح الجنان، مشهد، شرکت به نشر.
- ۲۱- کاشانی، عبدالرزاق، (۱۳۸۵)، شرح منازل السائرین، به تحقیق: محسن بیدار فر، قم، انتشارات بیدار.
- ۲۲- کاشانی، عبدالرزاق، (۱۴۱۳هـ)، اصطلاحات الصوفیه. مصحح: عبدالعال شاهین، قاهره، دارالمنار.
- ۲۳- کلاباذی، ابوبکر محمد، (۱۴۱۹)، خلاصه شرح تعرف، مصحح: احمد علی رجایی، بی جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۴- مطهری خواه، ذبیح، (۱۳۷۸)، مقامات عرفانی در نهج البلاغه، قم، دارالغدیر.
- ۲۵- معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، تهران، فرهنگ نما.
- ۲۶- مغنیه، محمد جواد، (۱۳۵۸)، فی ضلال نهج البلاغه، ج ۴، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۳، ۱۴۰۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۸- منصوری لاریجانی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، شرح منازل السائرین، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۲۹- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۷)، چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۰- مولوی، مولانا جلال الدین، (۱۳۶۲)، مثنوی معنوی، به کوشش: محمد استعلامی، تهران، زوار.
- ۳۱- حمیداحمدیان، علی سعیداوی، «تحلیل معنایی درجات تقوا در نهج البلاغه»، کاوشی نو در معارف قرآنی، ۱ (۱۳۹۱).
- ۳۲- نیکوئی علیرضا، اختیار بخشی، «مفهوم فراست در گفتمان عرفی و عرفانی»، ادب پژوهی، ۱۳ (۱۳۸۹).
- ۳۳- سایت سعادت ملوک تابش «مجموعه سخنرانی»